

تحلیل عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد (مورد مطالعه استان‌های کرمانشاه و همدان)

یاسر محمدی^{۱*}، فرشته عواطفی اکمل^۲، مینا ضمیری آراسته^۳ و مهدی رحیمیان^۴

(دریافت: ۹۷/۱۱/۲۳؛ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۶)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین مجموعه عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات مالی خرد در استان‌های کرمانشاه و همدان بود. این پژوهش نوعی تحقیق کمی و در عین حال توصیفی-همبستگی است که با بهره‌گیری از شیوه پیمایش انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را تمامی زنان روستایی دریافت‌کننده تسهیلات صندوق‌های اعتبارات خرد در شهرستان‌های همدان و کرمانشاه (۱۴۱ نفر) تشکیل دادند که با توجه به محدود بودن تعداد آن‌ها، به روش تمام‌شماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار اصلی مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق ساخت بود که روایی آن توسط تعدادی از کارشناسان امور زنان جهاد کشاورزی و جمعی از متخصصان حوزه مطالعات ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی بررسی و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد که برای تمامی بخش‌های پرسشنامه، مقدار ضریب آلفا بالاتر از ۰/۸ به دست آمد. بر مبنای نتایج تحقیق، بین متغیرهای درک کفایت میزان اعتبارات دریافتی، تعداد اشتغال ایجاد شده، میزان درآمد حاصل از شغل و شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی با متغیر توانمندی زنان روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت؛ که در بین متغیرهای مورد نظر، گذراندن دوره‌های مهارت‌آموزی یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده توانمندی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد بود. متغیرهای مذکور توانستند ۲۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته توانمندی زنان روستایی را پیش‌بینی کنند. در این تحقیق بر مبنای ضرایب همبستگی بین متغیرها، توصیه‌هایی برای بهبود زمینه‌های تقویت‌کننده توانمندی زنان روستایی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات خرد، زنان روستایی، توانمندسازی، کرمانشاه، همدان

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
^۴ استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: y.mohammadi@basu.ac.ir

توانمندسازی زنان روستایی و به تبع آن فراهم شدن زمینه مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار روستایی است (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴). بر همین اساس در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزان توسعه روستایی به نقش زنان در فرایند توسعه و برنامه‌های تقویت توانمندی‌های آنان توجه خاصی داشته و مطالعات متعددی نیز به این موضوع اختصاص یافته است. در کشور ما نیز در چند دهه گذشته با درک اهمیت نقش زنان روستایی در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی، برنامه‌هایی برای توانمندسازی زنان در زمینه‌های مختلف به مرحله اجرا درآمده است (فراشی و همکاران، ۱۳۹۶). تجربه برنامه‌های توانمندسازی زنان مبین این واقعیت است که سرمایه و اعتبارات مالی، عامل مهمی در به فعالیت در آوردن استعدادهاى زنان روستایی و بهره‌برداری از توانایی‌های آنها در بهره‌گیری از منابع و ظرفیتهای طبیعی و انسانی محیط روستا می‌باشد (مظفری و ضیائی، ۱۳۹۶). بر همین اساس در طی دو دهه گذشته فعالیت‌های متنوعی از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و غیر دولتی برای تأمین اعتبار با شرایط آسان با هدف توانمندسازی این گروه انجام شده است (سامیان و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از برنامه‌هایی که در کشور ما با هدف توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی اجرا شده، فراهم‌سازی زمینه بهره‌گیری زنان از اعتبارات خرد با تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در روستاها توسط وزارت جهاد کشاورزی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۶).

اعتبارات خرد عموماً وام‌هایی هستند که از نظر مبلغ کوچک بوده و در فرایندی ساده بدون دریافت وثیقه از سوی یک موسسه مالی به اقشار کم درآمد پرداخت می‌گردد. در خصوص مبلغ این اعتبارات بحث‌های مختلفی وجود دارد؛ در برخی از موارد به وام‌هایی با مبلغ کمتر از ۱۱۱ دلار و در بعضی از موارد به وام‌های چند هزار دلاری نیز اعتبارات خرد اطلاق می‌گردد (طیبهی و بخشوده، ۱۳۹۴). اعتبارات خرد در ابتدا شاید یک فرآیند اقتصادی در نظر گرفته شود، اما از آنجا که مشارکت گروهی خود اعضا، تشکیل دهنده‌ی شبکه‌ی اجتماعی است که پرداخت وام را بدون ضامن و وثیقه انجام می‌دهد، به فرآیندی اجتماعی تبدیل می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷). از این‌رو انتظار می‌رود علاوه بر اثرات اقتصادی، فراهم‌سازی زمینه‌هایی برای تقویت توانمندی‌های اجتماعی زنان و قدرت بخشی به آنها برای تصمیم‌گیری در امور فردی، خانوادگی و حرفه‌ای باشد. وقتی برنامه‌های اعتبار خرد با افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی اولیه همراه می‌شوند، تأثیر بیشتری در کاهش فقر دارند تا زمانی که فقط به پرداخت اعتبار توجه می‌کنند. وقتی این دو هدف اصلی توسعه اجتماعی با هم همراه می‌شوند، بهداشت و تغذیه فرزندان و ام‌گیرندگان، به خصوص دختران بهبود می‌یابد، میزان ثبت‌نام در مدارس ابتدایی افزایش پیدا می‌کند و استفاده از آب سالم و بهداشتی گسترش می‌یابد (طالب و همکاران، ۱۳۹۳).

طرح اعتبارات خرد، یکی از عمومی‌ترین راه‌های توانمندسازی اقتصادی اجتماعی در دنیا می‌باشد که زنان را قادر می‌کند از طریق ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی، افزایش درآمد، دسترسی به بازار و غیره، قدرت تصمیم‌گیری خود را افزایش داده و عامل مهم تغییرات اقتصادی اجتماعی در محیط خود باشند (شاهرخی ساردو و کرمی، ۱۳۹۵). توانمندسازی زنان روستایی نیازمند شناسایی نیازها و مشکلات موجود، ارزیابی فرصت‌های محیط و ارائه دانش، اطلاعات و مهارت‌های لازم جهت تقویت توانمندی‌های آنها و بهبود نگرش‌ها و طرز تفکر آنان است (کرمی دهکردی و بابائی، ۱۳۹۷). این موضوع باعث شده تا در سال‌های اخیر، بخشی از تلاش مؤسسات مالی و اعتباری و نیز بخشی از مطالعات زنان، به شناسایی عوامل و راهکارهای توسعه و تقویت توانمندی‌های زنان روستایی و چگونگی تلفیق توانمندی‌های مختلف اجتماعی، شخصیتی و روان‌شناختی با توانمندی اقتصادی ناشی از دریافت اعتبارات مالی به‌منظور بهره‌گیری از این اعتبارات در فرایند توسعه قابلیت‌های فردی و اجتماعی آنان اختصاص یابد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷). اگرچه تجربه راه اندازی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در مناطق مختلف کشور مبین این موضوع است که فعالیت این صندوق‌ها می‌تواند در توانمندسازی زنان روستایی نقش مؤثری ایفا نماید (شاه ولی و ملکیان، ۱۳۹۳)، ولی نباید این موضوع از نظر دور نگاه داشته شود که مقوله توانمندسازی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از مجموعه عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱) و صرفاً راه اندازی صندوق‌های اعتباری و اعطای اعتبارات خرد به زنان روستایی نمی‌تواند ضامن توانمندسازی پایدار زنان در بهره‌گیری از ظرفیتهای محیط و تسهیل

فرایند توسعه روستایی باشد. از این رو ضرورت دارد فرایند توانمندسازی زنان روستایی از طریق برنامه‌های اعطای اعتبارات خرد، در نظامی یکپارچه و با در نظرگیری مجموعه عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر این فرایند مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق، شناختی دقیق از تعیین کننده‌های مسیر صحیح توانمندی‌های زنان روستایی حاصل شود. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با عطف توجه به فرایند توانمندسازی زنان روستایی، شناسایی و تبیین مجموعه عوامل درونی و بیرونی مؤثر از جمله توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی زنان دریافت‌کننده اعتبارات و نیز شرایط و ویژگی‌های نظام پرداخت اعتبارات بر میزان توانمندی زنان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بدون شک، نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران برنامه‌های اعتبارات خرد در طراحی مکانیسم‌های اصلاحی برای اثرگذاری بیشتر اعتبارات خرد بر توانمندی زنان روستایی کمک نماید.

توانمندسازی از جمله واژگانی است که به‌رغم استفاده فراوان از آن در علوم اجتماعی و اقتصادی، هنوز تعریفی مورد توافق برای آن ارائه نشده است (Rubin & Babbie, 2016) و همچنان موضوعی پیچیده به شمار می‌رود که دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی و ... است. به عبارتی، مفهومی چند بعدی و چند سطحی است و هر بعد، دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود. توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی را می‌توان در زمره مهم‌ترین ابعاد توانمندی دانست که اشتغال می‌تواند محصول این سطح از توانمندی و از سویی تقویت‌کننده آن باشد. بنابراین، در زمینه‌ی توانمندسازی، یکی از مسائل مهمی که همواره اذهان نویسندگان و محققان را به خود مشغول کرده است، اشتغال و تأثیرات آن بر بهبود سطح زندگی فردی و اجتماعی است. این موضوع به‌ویژه برای زنان روستایی دارای اهمیت مضاعف بوده و به همین سبب یکی از زمینه‌های پرکاربرد مفهوم توانمندسازی، تحقیقات مرتبط با وضعیت اجتماعی زنان و گروه‌های در حاشیه و محروم است (Afshar, 2016). بر همین اساس، دولت‌ها تمرکز ویژه‌ای بر افزایش توانایی‌های زنان در جهت یافتن فرصت‌های شغلی مناسب، افزایش درآمد، امنیت شغلی و افزایش توانایی‌های زنان در ورود به بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا به‌عنوان هدف نهایی داشته‌اند (Field et al., 2010). بر این اساس، ایجاد و تقویت توانمندی‌های حرفه‌ای و قابلیت‌های مدیریتی و توانمندی‌های اجتماعی و شخصیتی زنان نیز در برنامه‌های توانمندسازی مطرح و حتی در تعاریف جدید توانمندسازی از موضوعاتی چون توانمندی‌های اجتماعی، نگرش مثبت، توانایی ارتباطات، دانش مدیریت، توانایی شناسایی بازار، آشنایی با تکنولوژی‌های پیشرفته، مدیریت سازمانی و روابط اجتماعی و مدیریت قدرت صحبت می‌شود (Kabeer, 2012). این موضوع گستردگی موضوعات برنامه‌های توانمندسازی زنان برای ورود به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهد.

از بررسی مفاهیم مرتبط با توانمندسازی مشخص می‌شود که مقوله توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک است که در غالب تعاریف و مفاهیم به آن‌ها اشاره شده است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال می‌باشد و به قول کبیر (Kabeer, 2005). از عوامل تسریع‌کننده به شمار می‌آید. دومین عامل، عنصر عاملیت می‌باشد؛ عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان نباید فقط به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به‌عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به‌ویژه در انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی آن‌ها دارند، در نظر گرفته شوند. این عنصر معرف اهمیت گفتمان از پایین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پایین است. سومین عنصر دستاوردها و پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌تواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند خشنود بودن، عزت‌نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و غیره را در برگیرد (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). در زمینه‌ی توانمندسازی زنان، برخی توانمندسازی را به مشارکت در تصمیم‌گیری و افزایش میزان دسترسی به منابع تولیدی بدون توجه به تحولات ساختاری مربوط دانسته و بیشتر نیازهای عملی را مد نظر دارند و برخی دیگر، توانمندی زنان را مقوله‌ای برای دستیابی به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار ارزیابی می‌نمایند (Malhotra, 2002).

در مورد نقش اعتبارات خرد در برنامه‌های کاهش فقر و افزایش توانمندی‌های زنان، دو دیدگاه کلی مطرح شده است. دیدگاه اول معتقد است که فراهم ساختن اعتبارات خرد برای زنان فقیر موجب برقراری توازن و تعادل اجتماعی می‌شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند که اعتبارات خرد نه تنها موجب بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌گردد بلکه روابط جنسیتی موجود

در جامعه را نیز بهبود می‌بخشد. طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که اگرچه افزایش اندک درآمد و دارایی می‌تواند موجب رفاه و امنیت اقتصادی زنان شود، اما این افزایش اندک تأثیر ناچیزی بر روابط اقتصادی و اجتماعی دارد و لذا دسترسی به اعتبارات خرد تنها می‌تواند ابزار مؤثری برای ورود زنان به مسیر توانمندی باشد (Mayox, 1997).

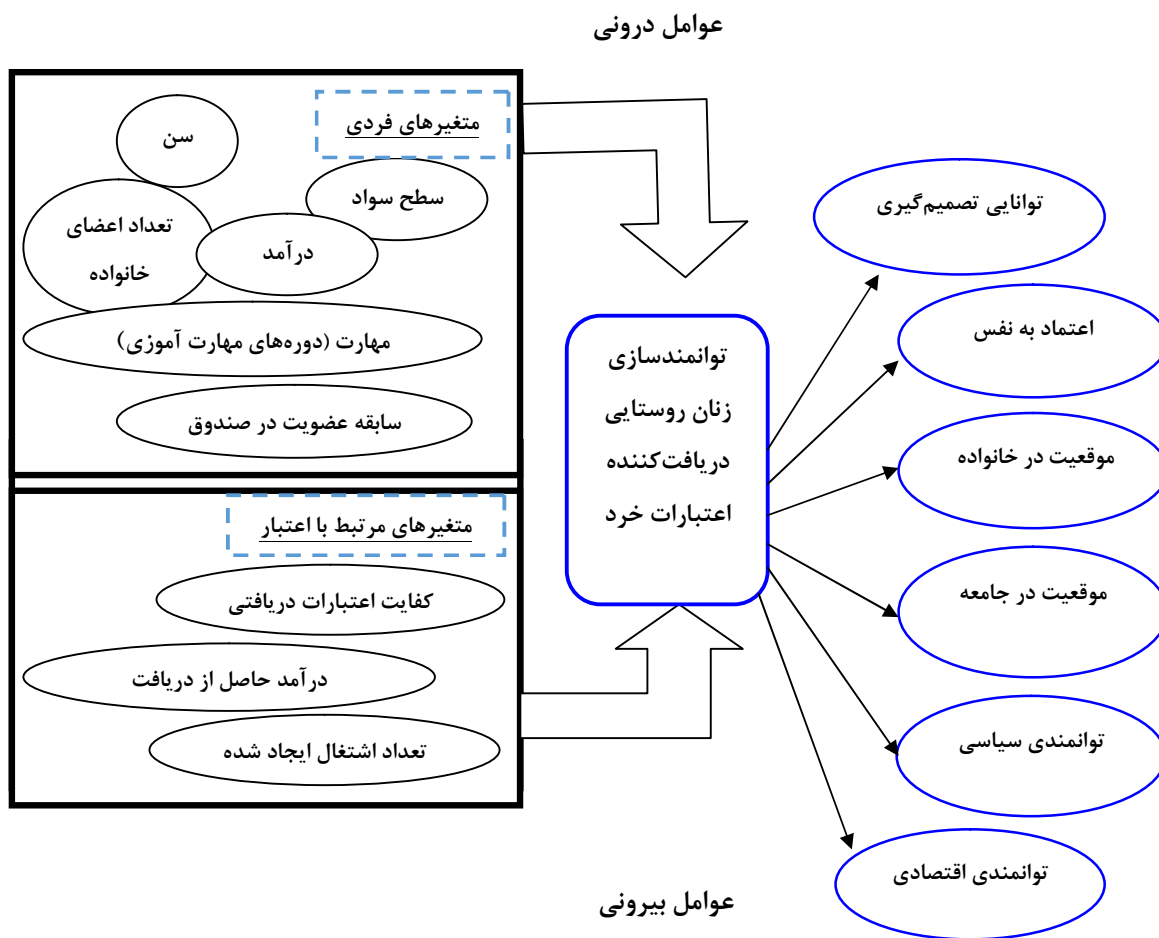
بر مبنای مطالعات انجام شده در زمینه‌ی چگونگی تأثیرگذاری اعتبارات خرد روستایی بر توانمندی‌های زنان می‌توان دریافت که توانمندی زنان تحت تأثیر مجموعه عوامل متعددی بوده و صرف اعطای تسهیلات اعتباری نمی‌تواند ایجاد کننده توانمندی در ابعاد مختلف باشد. در این زمینه کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱) معتقدند توانمندی زنان نوعی پدیده اجتماعی است و به سبب اینکه پدیده‌های اجتماعی تک‌علی نیستند، توانمند شدن زنان را نیز بایستی مقوله‌ای متأثر از مجموعه عوامل درونی و بیرونی دانست. عوامل درونی مانند وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده و عوامل بیرونی مانند ساختارهای موجود اجتماعی نظیر انواع حمایت‌های اجتماعی هستند که بر توانمندی فرد نقش تعیین کننده‌ای دارند. سعدی و همکاران (۱۳۹۱) با تأکید بر عامل اشتغال به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی، فراهم‌سازی تسهیلات خوداشتغالی و توسعه کسب و کارهای خانگی را به‌عنوان راهکاری برای تقویت سطح توانمندی زنان روستایی توصیه نمودند. در پژوهش فوادی و همکاران (۱۳۹۰)، به‌رغم تأکید بر نقش اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی زنان روستایی، بر نقش متغیرهایی نظیر سطح تحصیلات، امکانات ارتباطی، وسایل ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی و نیز میزان تسهیلات، به‌عنوان تعیین کننده‌های سطح توانمندی زنان روستایی بهره‌مند از تسهیلات اعتبارات خرد روستایی تأکید شده است. همچنین، نتایج پژوهش زارع و میرباقری (۱۳۹۱) حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی، عوامل فردی، میزان هزینه-فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی، با گرایش زنان به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد رابطه معنادار دارد. در همین زمینه نتایج پژوهش قدیری و احمدی (۱۳۹۳) نشان داد بین متغیرهایی نظیر میزان تحصیلات، سازه‌های حمایتی، اقتصادی و آموزشی، با موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش کیخاه و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که بین مدت عضویت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد، تعداد وام‌های اخذ شده از صندوق و شرکت آن‌ها در کلاس‌های آموزشی صندوق با توانمندی اقتصادی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سعدی و عرب مازار (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مبلغ تسهیلات دریافت شده، میزان درآمد حاصل از طرح، میزان آگاهی زنان سرپرست خانوار از شرایط و ویژگی‌های تسهیلات طرح، از عوامل مؤثر بر موفقیت توانمندسازی زنان روستایی از طریق طرح حضرت زینب (س) به شمار می‌روند. در ادامه، گری کیپاتی (Garikipati, 2012) به تحلیل ارتباط بین اعتبارات خرد و توانمندی زنان پرداخته که طبق نتایج، وام‌هایی که زنان می‌گیرند معمولاً برای افزایش مالکیت مردان و دارایی‌های خانواده استفاده می‌شود و زن‌هایی که کنترل این منابع مالی در دست خودشان است قادر به خوداشتغالی و افزایش توانمندی خود هستند. بر اساس نتایج سالوا و همکاران (Salwa et al., 2013) رابطه بین میزان سرمایه در صندوق اعتبارات خرد با میزان تحصیلات، حمایت دولت و کارآفرینی صندوق‌های اعتبارات خرد، مثبت و معنادار بود. دوی و ناراسالاح (Devi & Narasalah, 2017) نشان دادند تشکیل گروه‌های خودیار زنان اثر مثبتی بر بهبود زندگی آنان دارد و مؤسسات مالی و اعتباری بهترین ابزار برای کاهش فقر و ایجاد اشتغال هستند. ال شامی و همکاران (Al-shami et al. 2018) نیز در مطالعه خود، تأثیر مثبت دسترسی به اعتبارات خرد بر درآمد ماهیانه زنان روستایی را مشاهده نمودند.

با توجه به نتایج مطالعات پیشین در خصوص عوامل تبیین کننده توانمندی زنان روستایی دریافت کننده اعتبارات خرد، این عوامل را در دو دسته درونی (ویژگی‌های فردی دریافت کنندگان اعتبارات خرد) و بیرونی (عوامل مرتبط با صندوق‌های اعتبارات خرد و اعتبارات دریافتی) می‌توان طبقه‌بندی نمود. چارچوب مفهومی مطالعه در نگاره ۱ قابل مشاهده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر روش‌شناسی از نوع توصیفی-همبستگی است. با توجه به هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این مطالعه شامل ۶۱ نفر از زنان عضو صندوق‌های خرد شهرستان همدان و ۸۰ نفر از زنان عضو صندوق‌های خرد شهرستان کرمانشاه بودند که موفق به دریافت اعتبار از این صندوق‌ها شده بودند و در مجموع تعداد آنان ۱۴۱ نفر بود که به روش تمام‌شماری در سال ۱۳۹۷ انتخاب گردیدند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و با مراجعه حضوری به

نمونه‌های تحقیق به دست آمد. پرسشنامه تحقیق مشتمل بر چند بخش برای سنجش عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی زنان (سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده و غیره) و شرایط دریافت اعتبارات خرد (میزان اعتبارات دریافتی، کفایت اعتبارات دریافتی، رضایت از دوره بازپرداخت) و نیز سؤالاتی برای سنجش توانمندی‌های زنان در ابعاد مختلف بود. همان‌طور که در مدل مفهومی تحقیق قابل مشاهده است، توانمندی زنان روستایی مشتمل بر شش بعد بوده و سؤالات هر بعد در قالب طیف لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) از مخاطبان پرسیده شده است. روایی محتوایی ابزار تحقیق توسط تعدادی از متخصصین در حوزه توسعه روستایی و کارشناسان مجرب برنامه‌های اعتبارات خرد، بررسی و پایایی مقیاس‌های آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که برای مقیاس توانایی تصمیم‌گیری (۱۰ گویه)، اعتماد به نفس (۵ گویه)، موقعیت در خانواده (۹ گویه)، موقعیت در جامعه (۵ گویه)، توانمندی سیاسی (۴ گویه) و توانمندی اقتصادی (۹ گویه) به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۴، ۰/۹۵، ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۹۴ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب سازه‌های پرسشنامه بود. در تحقیق حاضر برای تحلیل روابط بین متغیرهای مورد نظر از ضرایب همبستگی، مقایسه میانگین دو گروه مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. داده‌ها نیز پس از ویرایش و کدگذاری در محیط نرم‌افزار IBMSPSS نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند.



نگاره ۱- چارچوب مفهومی پژوهش (عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توانمندسازی زنان)

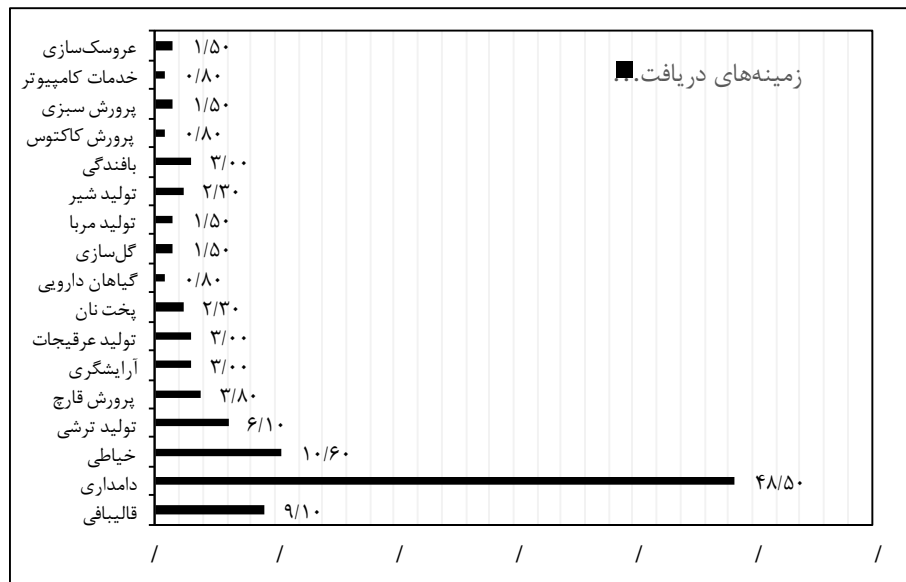
یافته‌ها و بحث

طبق اطلاعات به دست آمده از این پژوهش، از مجموع ۱۴۱ نفر پاسخگو، ۸۰ نفر (۵۶/۷ درصد) در شهرستان کرمانشاه و ۶۱ نفر (۴۳/۳ درصد) در شهرستان همدان ساکن بودند. میانگین سنی گروه مورد مطالعه، ۳۴/۵ سال بود. کم سن‌ترین عضو صندوق ۱۶ سال و مسن‌ترین آن‌ها نیز ۵۶ سال داشت. بیشترین درصد (۵۷/۸) افراد نیز در رده سنی ۳۱ تا ۵۰ سال قرار داشتند. بیشتر افراد مورد مطالعه (۳۷ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی و متأهل بودند. شغل بیشتر زنان روستایی (۷۸/۲ درصد) خانه‌داری و شغل همسر بیشتر آن‌ها (۴۷/۸) کارگری و شغل آزاد بود. درآمد ماهیانه بیشتر افراد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و میانگین درآمد ماهیانه آن‌ها حدود ۵۳۰ هزار تومان بود. منبع درآمد بیشتر زنان (۶۱/۲ درصد)، از درآمد همسرانشان بوده؛ هرچند که حدود ۳۰ درصد از آن‌ها نیز درآمد مستقل داشتند. در صورتی که قبل از عضویت در صندوق، تنها ۱۸ درصد دارای منبع درآمد مستقل بودند و ۶۸ درصد آن‌ها وابسته به درآمد همسرانشان بودند. حدود ۵۸ درصد از زنان عضو صندوق در دوره‌های مهارت‌آموزی شرکت نکرده بودند و ۴۲ درصد نیز در این دوره‌ها حضور یافته بودند. کمترین و بیشترین میزان اعتبار دریافتی نیز به ترتیب ۵۰۰ و ۷۰۰ هزار تومان بود که اکثریت افراد ۵۰۰ هزار تومان اعتبار خرد دریافت کرده بودند و حدود ۵۷ درصد از آن‌ها میزان این اعتبار را کافی نمی‌دانستند اما اکثریت آن‌ها (۹۱/۶ درصد) از دوره بازپرداخت این اعتبارات رضایت داشتند (جدول ۱).

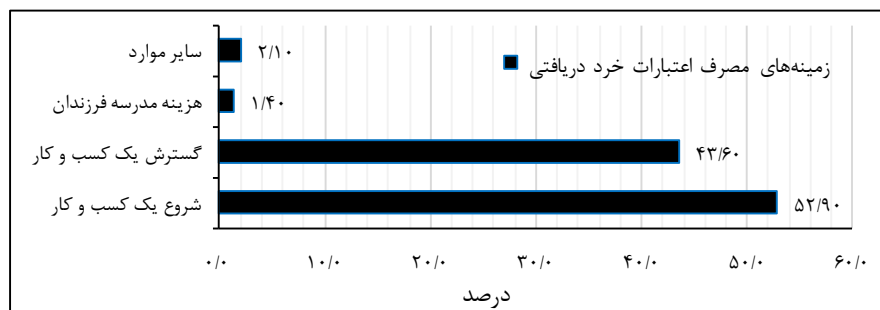
جدول ۱- توزیع فراوانی زنان روستایی دریافت کننده اعتبارات خرد بر حسب طبقه اکثریت

نام متغیر	طبقه اکثریت	فراوانی	درصد
سن	۳۱ تا ۵۰ سال	۷۴	۵۷/۸
تحصیلات خود فرد	ابتدایی	۵۱	۳۷/۰
تحصیلات همسر فرد	ابتدایی	۴۴	۳۸/۳
وضعیت تأهل	متأهل	۱۱۴	۸۱/۴
تعداد اعضای خانواده	۵	۴۱	۳۰/۴
وضعیت اشتغال	خانه‌دار	۹۳	۷۸/۲
وضعیت اشتغال همسر	شغل آزاد و کارگری	۵۲	۴۷/۸
میزان درآمد ماهیانه زنان	کم‌تر از ۵۰۰ هزار	۶۲	۵۵/۹
منبع درآمد	همسر	۸۵	۶۱/۲
منبع درآمد قبل از عضویت صندوق	همسر	۹۵	۶۷/۹
شرکت در کلاس‌های مهارت‌آموزی	خیر	۸۲	۵۸/۲
میزان وام دریافتی	۵۰۰ هزار تومان	۱۰۶	۷۶/۸
کفایت وام دریافتی	کم	۷۹	۵۷/۲
رضایت از دوره بازپرداخت وام	بلی	۱۲۰	۹۱/۶

همان‌طور که در نمودار ۱ قابل مشاهده است نزدیک به نیمی از زنان روستایی با هدف پرورش دام خانگی، اعتبار دریافت کرده‌اند و پس از آن مشاغلی مانند خیاطی، قالی‌بافی و ساخت ترشی زمینه‌های غالب دریافت اعتبار بودند؛ اما به‌طور کلی ۱۷ زمینه شغلی متفاوت برای دریافت اعتبار ثبت شده که حاکی از تنوع زمینه‌های دریافت اعتبار توسط زنان روستایی بوده است. بر اساس نمودار ۲، نتایج حاکی از آن است که بیشتر زنان روستایی (۵۲/۱) با اعتبارات دریافتی شغل جدید ایجاد کردند پس از آن گسترش مشاغل موجود در اولویت مصرف اعتبارات قرار گرفته و تنها ۳/۵ درصد از زنان ترجیح دادند تا اعتبارات خرد را در مواردی غیر از ایجاد و گسترش کسب و کار مصرف کنند.



نمودار ۱- هدف از دریافت اعتبارات خرد توسط زنان روستایی



نمودار ۲- زمین‌های مصرف اعتبارات خرد دریافت شده توسط زنان روستایی

همبستگی بین توانمندسازی و ابعاد آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان روستایی

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که میزان توانمندسازی زنان روستایی تنها با حضور در دوره‌های مهارت‌آموزی رابطه مستقیم و معنی‌داری در سطح یک درصد ($P < 0/01$) دارد و با سایر متغیرهای جمعیت‌شناسی مانند سن، تعداد اعضای خانواده، سطح سواد خود فرد و همسرش رابطه معنی‌داری ندارد. به عبارتی تنها با افزایش حضور در دوره‌های مهارت‌آموزی است که سطح توانمندسازی زنان روستایی افزایش می‌یابد. همچنین دوره‌های مهارت‌آموزی گذرانده شده با همه ابعاد توانمندسازی به‌جز بعد "توانایی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده" رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. دو ویژگی جمعیت‌شناسی سطح سواد زنان روستایی و سطح سواد همسرانشان تنها با بعد "توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی" رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح پنج درصد ($P < 0/05$) داشت و با سایر ابعاد توانمندسازی و خود توانمندسازی رابطه معنی‌داری نداشت. متغیر سن نیز تنها با بعد "موقعیت درون خانواده و روابط با همسر" رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد داشت و با سایر ابعاد توانمندسازی رابطه معنی‌داری نداشت (جدول ۲).

همبستگی بین توانمندسازی زنان روستایی و ابعاد آن با ویژگی‌های اعتبارات خرد

نتایج این مطالعه نشان داد که مدت زمان عضویت در صندوق‌های اعتباری خرد با توانمندسازی زنان روستایی و ابعاد آن هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری ندارد؛ اما درک کافی بودن میزان اعتبارات دریافتی با توانمندسازی زنان روستایی و همه ابعاد آن به‌جز بعد "توانمندی سیاسی و حقوق زنان" و "موقعیت درون خانواده" رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. همچنین میزان درآمد حاصل از شغل ایجاد شده نیز با توانمندسازی زنان روستایی و همه ابعاد آن به‌جز بعد "توانائی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده" رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داد. در نهایت متغیر تعداد اشتغال ایجاد شده نیز همانند متغیر درآمد، دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با توانمندسازی زنان روستایی و همه ابعاد به‌جز بعد "توانائی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده" داشت. بنابراین ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر با افزایش توانمندی زنان روستایی رابطه مستقیمی دارد (جدول ۳).

جدول ۲- رابطه بین توانمندسازی و ابعاد آن با ویژگی‌های فردی زنان روستایی

متغیرهای فردی		توانمندسازی و ابعاد آن			
سن	تعداد اعضای خانواده	سواد خود فرد	سواد همسر	دوره‌های مهارت‌آموزی گذرانده شده	
۰/۱۶۱	۰/۰۸۴	-۰/۰۸۹	-۰/۰۴۰	۰/۰۲۵	توانایی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده
۰/۱۰۷	-۰/۱۳۳	۰/۰۸۷	۰/۰۱۹	۰/۳۴۷**	اعتمادبه‌نفس زنان روستایی
۰/۲۵۰**	۰/۰۷۹	-۰/۰۸۵	۰/۰۲۸	۰/۲۰۱**	موقعیت درون خانواده و روابط با همسر
۰/۰۶۲	۰/۱۰۴	۰/۱۲۳	۰/۰۹۷	۰/۳۱۹**	موقعیت زنان روستایی در جامعه
-۰/۰۳۸	۰/۰۸۳	۰/۲۱۷*	۰/۲۰۶*	۰/۱۷۶*	توانمندی سیاسی و حقوق زنان
۰/۰۹۹	-۰/۱۳۵	۰/۰۴۱	۰/۱۵۸	۰/۳۷۸**	توانمندی اقتصادی زنان روستایی
۰/۱۳۹	-۰/۰۵۲	۰/۰۶۰	۰/۰۳۲	۰/۳۲۰**	توانمندسازی زنان روستایی

* معنی‌داری در سطح پنج درصد

** معنی‌داری در سطح یک درصد

جدول ۳- رابطه بین توانمندسازی و ابعاد آن با متغیرهای مرتبط با اعتبارات خرد دریافتی

متغیرهای مرتبط با اعتبارات		توانمندسازی و ابعاد آن			
مدت عضویت در صندوق	کفایت اعتبارات پرداختی	درآمد حاصل از شغل	تعداد اشتغال ایجاد شده		
۰/۱۱۷	۰/۱۷۱*	۰/۱۱۹	۰/۱۲۵	۰/۱۱۷	توانایی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده
۰/۰۸۵	۰/۲۵۳**	۰/۲۲۰*	۰/۳۰۱**	۰/۳۰۱**	اعتمادبه‌نفس زنان روستایی
۰/۱۵۴	۰/۱۲۲	۰/۱۴۶	۰/۱۹۶*	۰/۱۹۶*	موقعیت درون خانواده و روابط با همسر
۰/۰۹۷	۰/۲۸۳**	۰/۲۴۰**	۰/۳۳۸**	۰/۳۳۸**	موقعیت زنان روستایی در جامعه
۰/۱۰۹	۰/۱۶۱	۰/۲۵۷**	۰/۴۰۱**	۰/۴۰۱**	توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی
۰/۱۶۱	۰/۲۶۳**	۰/۲۹۷**	۰/۴۲۲**	۰/۴۲۲**	توانمندی اقتصادی زنان روستایی
۰/۱۵۷	۰/۲۷۱**	۰/۲۸۱**	۰/۳۸۷**	۰/۳۸۷**	توانمندسازی زنان روستایی

* معنی‌داری در سطح پنج درصد

** معنی‌داری در سطح یک درصد

مقایسه میانگین توانمندسازی زنان روستایی در موقعیت‌های دوگانه مختلف

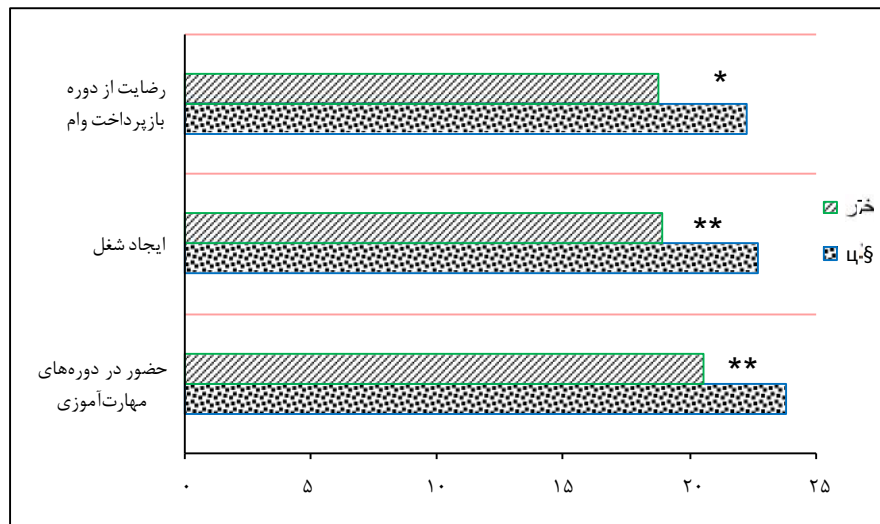
مقایسه میانگین توانمندسازی در بین زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد که دوره‌های مهارت‌آموزی را گذرانده و آن‌هایی که این دوره‌ها را نگذرانده بودند، حاکی از وجود تفاوت معنی‌داری در سطح یک درصد بود. به‌طوری‌که میانگین توانمندسازی در بین زنانی که در دوره‌های مهارت‌آموزی حضور داشتند به‌طور معنی‌داری بیشتر از زنانی بود که در این دوره‌ها حضور نداشتند. میانگین

توانمندسازی در بین زنانی که توانسته بودند شغل ایجاد کنند و زنانی که قادر به ایجاد شغل نبودند نیز تفاوت معنی داری داشت و در زنانی که شغل جدیدی ایجاد کرده بودند بیشتر بود. همچنین زنانی که از دوره بازپروداغت وام راضی بودند نسبت به زنانی که از این دوره ناراضی بودند، به طور معنی داری توانمندتر بودند (جدول ۴ و نمودار ۳).

جدول ۴- مقایسه میانگین توانمندسازی زنان روستایی در موقعیت‌های دوگانه مختلف

متغیر	گروه	تعداد	انحراف معیار ± میانگین	مقدار t	Sig.
حضور در دوره‌های مهارت‌آموزی	بلی	۵۹	۲۳/۸۰ ± ۴/۸۶	۳/۵۸ ^{°°}	۰/۰۰۰
	خیر	۸۲	۲۰/۵۷ ± ۵/۵۵		
ایجاد شغل	بلی	۱۱۰	۲۲/۶۹ ± ۴/۹۸	۳/۲۱ ^{°°}	۰/۰۰۲
	خیر	۲۳	۱۸/۹۱ ± ۵/۷۹		
رضایت از دوره بازپروداغت وام	بلی	۱۲۰	۲۲/۳۰ ± ۵/۴۲	۲/۰۴ [°]	۰/۰۴۴
	خیر	۱۱	۱۸/۸۰ ± ۵/۸۳		

* معنی داری در سطح پنج درصد ** معنی داری در سطح یک درصد



نمودار ۳- میانگین توانمندسازی زنان روستایی در بین موقعیت‌های دوگانه مختلف

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز نشان داد که میانگین توانمندسازی در بین زنان روستایی با منابع درآمدی مختلف در سطح پنج درصد دارای تفاوت معنی داری است. به طوری که زنانی که منبع درآمد کنونی آن‌ها خودشان بودند نسبت به کسانی که منبع درآمد آن‌ها سایر افراد بودند، توانمندتر شده بودند اما در بین زنانی که منبع درآمد آن‌ها خودشان بودند و کسانی که منبع درآمد آن‌ها همسرشان بود، تفاوت معنی داری مشاهده نشد (جدول ۵).

جدول ۵- میانگین توانمندسازی در بین زنان روستایی با منابع درآمدی مختلف

متغیر	گروه بندی ایجاد شده		تفاوت میانگین‌ها	مقدار F	Sig.
	گروه ۱	گروه ۲			
منبع درآمد	سایر افراد	۱۸/۲۲	۲۲/۰۶	۴/۰۳۸ ^{°°}	۰/۰۲۰
	خود فرد	۲۳/۰۴	-۴/۸۳ ^{**}		
	همسر فرد	۲۳/۰۴	-۳/۸۵ [*]		
	خود فرد	۲۲/۰۶	۰/۹۷۶		

* معنی داری در سطح پنج درصد ** معنی داری در سطح یک درصد

پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناسی و مرتبط با اعتبار جهت پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناسی و مرتبط با اعتبارات خرد از رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام (Stepwise) استفاده شد که نتایج نشان داد با توجه به معنی‌دار بودن آزمون F ، تحلیل رگرسیون مناسب بوده و لذا متغیر توانمندسازی زنان روستایی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناسی و مبتنی بر اعتبار قابل پیش‌بینی هستند. آزمون دوربین واتسون نیز بیانگر این بود که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و می‌توان از آزمون رگرسیون استفاده نمود. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای مستقل مورد مطالعه (تعداد افراد شاغل در شغل ایجاد شده، کفایت اعتبار دریافتی، درآمد ماهیانه حاصل از ایجاد شغل و تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی شرکت شده) در چهار گام وارد مدل شدند که در مجموع توانستند ۲۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی توانمندسازی زنان روستایی را تبیین نمایند (جدول ۶).

نتایج رگرسیون برای گام‌های مختلف به شرح زیر است:

گام اول: در این گام، متغیر تعداد افراد شاغل در شغل ایجاد شده وارد معادله شد. در این گام ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R = 0/371$ و ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/138$ به دست آمد. بنابراین در گام اول این متغیر، مهم‌ترین متغیر بوده و به‌تنهایی ۱۳/۸ درصد از تغییرات متغیر توانمندسازی زنان روستایی را تبیین کرد.

گام دوم: در این گام، متغیر تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی وارد معادله شد. با ورود این متغیر، ضریب همبستگی به $R = 0/469$ و ضریب تعیین به $R^2 = 0/220$ رسید که نشان می‌دهد این متغیر توانسته است ۸/۲ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی زنان روستایی را تبیین و به درصد واریانس تبیین شده متغیر قبلی اضافه کند. دو متغیر تعداد افراد شاغل و تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی در مجموع ۲۲ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی را تبیین نمودند.

گام سوم: در این گام، متغیر کفایت اعتبارات دریافتی وارد معادله شد که در نتیجه ضریب همبستگی چندگانه به $R = 0/507$ و ضریب تعیین به $R^2 = 0/257$ رسید که نشان داد این متغیر توانسته ۳/۷ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی زنان روستایی را تبیین و به درصد واریانس تبیین شده قبلی اضافه کند. این متغیر به همراه دو متغیر تعداد افراد شاغل و تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی در مجموع ۲۵/۷ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی را تبیین نمودند.

گام چهارم: در این گام، متغیر درآمد ماهیانه از شغل ایجاد شده وارد معادله شد. با ورود این متغیر، ضریب همبستگی چندگانه به $R = 0/531$ و ضریب تعیین به $R^2 = 0/282$ رسید که نشان می‌دهد این متغیر توانسته ۲/۵ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی زنان روستایی را تبیین و به درصد واریانس تبیین شده قبلی اضافه کند. بنابراین در مجموع چهار متغیر مستقل که وارد معادله شدند، ۲۸/۲ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی را تبیین نمودند (جدول ۶).

جدول ۶- خلاصه مدل رگرسیون پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی و جدول آنوا

مدل	همبستگی (R)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار F	سطح معنی‌داری	دوربین-واتسون
۱	۰/۳۷۱	۰/۱۳۸	**۱۸/۸۱۵	۰/۰۰۰	
۲	۰/۴۶۹	۰/۲۲۰	**۱۶/۵۱۶	۰/۰۰۰	
۳	۰/۵۰۷	۰/۲۵۷	**۱۳/۳۵۱	۰/۰۰۰	۱/۷۰
۴	۰/۵۳۱	۰/۲۸۲	**۱۱/۲۷۶	۰/۰۰۰	

** معنی‌داری در سطح یک درصد * معنی‌داری در سطح پنج درصد

نتایج معنی‌داری متغیرهایی که وارد معادله شدند نیز نشان داد که هر چهار متغیر از نظر آماری تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته توانمندسازی زنان روستایی داشتند. دو متغیر تعداد افراد شاغل و میزان درآمد ماهیانه حاصل از شغل در سطح پنج درصد ($P < 0.05$) و دو متغیر تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی گذرانده شده و کفایت اعتبارات دریافتی در سطح یک درصد ($P < 0.01$) اثر مثبت و معنی‌داری بر توانمندسازی داشتند. مقدار مثبت ضریب (B) برای هر چهار متغیر مستقل نیز نشان‌دهنده رابطه مثبت و مستقیم این متغیرها با متغیر وابسته توانمندسازی زنان روستایی است؛ به‌طوری‌که با افزایش میزان هر یک از متغیرها، میزان توانمندسازی زنان روستایی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به مقادیر بتا در گام چهارم می‌توان چنین استدلال

نمود که متغیر تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی با مقدار بتای ۰/۲۵۲ مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده میزان توانمندسازی زنان روستایی است. هر چند که تا قبل از گام چهارم متغیر تعداد افراد شاغل مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده توانمندسازی زنان روستایی بود که با ورود متغیر چهارم یعنی درآمد ماهیانه حاصل از شغل، از میزان اثرگذاری این متغیر کاسته شده و به عبارتی اثرگذاری آن تحت پوشش متغیر درآمد ماهیانه حاصل از شغل قرار گرفت (جدول ۷).

جدول ۷- تبیین توانمندسازی زنان روستایی از طریق متغیرهای فردی و مبتنی بر اعتبار

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معنی داری
	(B)	خطای معیار	بتا ()	آماره t	
C: ضریب ثابت	۱۴/۹۹۲	۱/۵۲۲	-----	۹/۸۵**	۰/۰۰۰
۱ X ₁ : تعداد افراد شاغل	۱/۰۶۷	۰/۵۳۴	۰/۱۹۲	۱/۹۹*	۰/۰۴۸
۲ X ₂ : تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی	۰/۷۵۳	۰/۲۴۴	۰/۲۵۲	۳/۰۸**	۰/۰۰۳
۳ X ₃ : کفایت اعتبارات دریافتی	۱/۲۴۳	۰/۴۶۳	۰/۲۲۲	۲/۹۶**	۰/۰۰۸
۴ X ₄ : درآمد ماهیانه از شغل	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۰/۱۸۹	۲/۰۰*	۰/۰۴۸

** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر ویژگی‌های فردی زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد و عوامل مرتبط با نظام پرداخت اعتبار بر میزان توانمندی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد استان‌های همدان و کرمانشاه انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، نتایج بررسی میزان رضایت افراد از میزان وام‌های دریافتی گویای این واقعیت بود که از دیدگاه اکثریت زنان دریافت‌کننده تسهیلات، میزان وام دریافتی از کفایت لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی برخوردار نبوده و با این میزان وام امکان راه‌اندازی مشاغل متناسب با توانمندی‌های زنان و شرایط محیط روستا نظیر پرورش دام خانگی، خیاطی و قالی‌بافی وجود ندارد. این در حالی است که اغلب زنان، با انگیزه دریافت وام برای راه‌اندازی یک کسب و کار به عضویت این صندوق‌ها در آمده‌اند. با توجه به هدف اصلی راه‌اندازی صندوق‌های اعتباری که همانا توانمندسازی همه جانبه زنان روستایی از طریق ایجاد زمینه مناسب برای توانمندی اقتصادی (با راه‌اندازی کسب و کارهای مناسب) می‌باشد، عدم کفایت اعتبارات دریافتی برای راه‌اندازی یک کسب و کار مناسب می‌تواند مانعی در مسیر اثرگذاری دریافت وام بر ایجاد و تقویت سایر ابعاد توانمندی در زنان روستایی باشد. بر این مبنا ضرورت نوعی بازنگری در نظام اعتبارات خرد روستایی و تعیین میزان اعتبارات دریافتی متناسب با نیازهای مالی افراد برای راه‌اندازی کسب و کار جدید یا توسعه کسب و کارهای موجود احساس می‌شود. یافته قابل توجه دیگر در مورد میزان وام‌های دریافتی این است که بر مبنای اطلاعات به دست آمده، تنها ۱۲ درصد از زنان دریافت‌کننده وام اذعان نموده‌اند که پس از دریافت وام میزان استقلال مالی بیشتری به دست آورده‌اند. این وضعیت نیز تأکید دیگری بر این موضوع است که میزان وام‌های دریافتی از کفایت لازم برخوردار نبوده و توانایی لازم برای ایجاد استقلال مالی قابل توجه در زنان دریافت‌کننده وام را ندارد.

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق ذکر شد صرفاً با اعطای وام نمی‌توان انتظار ایجاد یا تقویت توانمندی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و ... را داشت، بلکه مداخله متغیرهایی نظیر آموزش، ارتباطات و اطلاع‌رسانی و حضور در فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌تواند در این روند اثرگذار باشد. این موضوع در پژوهش حاضر نیز مورد تأکید قرار گرفت و مشخص شد که بین میزان مشارکت زنان در دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی با میزان توانمندی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و سطح توانمندی زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی به نحو معناداری از سایر زنان بالاتر است. بدین ترتیب نتایج تحقیق در این قسمت با برخی پژوهش‌های پیشین نظیر قدیری و احمدی (۱۳۹۴)؛ سامیان و همکاران (۱۳۹۵) و طیبی و همکاران، (۱۳۹۴) نیز مطابقت دارد. البته نکته قابل تأمل در این زمینه این است که سهم زنان

شرکت کننده در دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی در مقایسه با کل زنان کم بوده و حدود ۵۸ درصد زنان دریافت کننده تسهیلات اعتبارات خرد در دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی شرکت نکرده‌اند که ضرورت دارد این موضوع با دقت مورد بررسی قرار گرفته و دلایل مشارکت کم زنان در برنامه‌های آموزشی به‌درستی شناسایی شود. البته با توجه به برخی محدودیت‌هایی که برای مشارکت و حضور زنان روستایی و به‌طور خاص زنان صاحب کسب و کار در دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی وجود دارد می‌توان به‌ضرورت فراهم‌سازی فرصت‌های متنوع یادگیری با کمک ابزارها و رسانه‌های نوین ارتباطی و کمک آموزشی اشاره نمود.

بررسی ضرایب همبستگی بین سن و سطح سواد زنان دریافت کننده تسهیلات با ابعاد مختلف توانمندی زنان نشان داد که بین دو متغیر سن و سطح سواد با اغلب ابعاد توانمندی رابطه معناداری وجود ندارد به عبارتی میزان توانمندی زنان ارتباط چندانی با سن و سواد افراد نداشته و این دو متغیر تعیین کننده‌های مناسبی برای ابعاد توانمندی زنان نیستند. دلیل این موضوع می‌تواند تأثیر بیشتر سایر متغیرها و شاید عدم بهره‌گیری زنان از عامل سواد برای مطالعه بیشتر و بهره‌گیری بهتر از فرصت‌های محیط برای کسب توانمندی بیشتر باشد. البته در مطالعه فواندی و همکاران (۱۳۹۰) نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار بین سطح تحصیلات با میزان توانمندی زنان روستایی بود.

در بخش دیگری از تحقیق، تأثیر عوامل مرتبط با نظام اعتبارات خرد بر میزان توانمندی زنان بررسی شد که در این زمینه، نتایج تحقیق نشان داد که درک کافی بودن میزان اعتبار دریافتی از سوی زنان، خود عاملی برای افزایش توانمندی می‌باشد این یافته تأکید دیگری بر موضوع اشاره شده در ابتدای این بخش است که نشان می‌دهد حصول توانمندی در زنان دریافت کننده تسهیلات، مستلزم وجود حداقلی از میزان وام و نیز درک افراد از میزان کفایت آن برای راه‌اندازی کسب و کار و می‌باشد. از سویی دیگر، همبستگی مثبت و معنادار بین متغیرهای اقتصادی نظیر قدرت درآمدزایی و اشتغال‌زایی فعالیت‌های زنان با میزان توانمندی آن‌ها نیز بیانگر آن است که توانمندی زنان در گرو میزان توانایی تسهیلات در ایجاد قدرت درآمدزایی و نیز قدرت اشتغال‌زایی می‌باشد. به عبارتی عدم وجود درک کفایت وام و به تبع آن عدم توانایی زنان در ایجاد کسب و کار مناسب، می‌تواند مانع توانمندی آن‌ها شود. در این زمینه یافته‌های پژوهش سعدی و همکاران (۱۳۹۱) نیز بر توانایی ایجاد اشتغال به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی اشاره نموده و در تحقیق سعدی و عرب مازار (۱۳۸۴) نیز مبلغ تسهیلات دریافت شده و میزان درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال را به‌عنوان عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی بهره‌مند از تسهیلات اعتباری خرد اشاره شده است. در مجموع، این نتایج بیانگر آن است که شرایط و ویژگی‌های نظام پرداخت اعتبارات خرد نظیر میزان وام، شرایط دریافت و بازپرداخت و نیز درک افراد از میزان کفایت وام و توانایی وام در ایجاد فرصت‌های شغلی از عوامل مهم و مؤثر بر میزان توانمندی زنان روستایی بوده و ضرورت دارد با بررسی دقیق و علمی، نظام پرداخت اعتبارات خرد روستایی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

منابع

- رحمانی، م.، زند رضوی، س.، ربانی، ع.، و ادیبی، م. (۱۳۸۷). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت رود بم. *مجله مطالعات زنان*، سال ۶، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۳۲.
- روشن‌نیا، د.، خادمی، ر.، کردی، ل.، و صلحی فام اصل، ژ. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان. *مجله کار و جامعه*، شماره ۱۹۰، صص ۹۸-۸۲.
- زارع، ب.، و میرباقری، ا. (۱۳۹۱). مطالعه عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی - در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۳۹۹-۴۳۱.
- سامیان، م.، یعقوبی فرانی، ا.، میرزایی، خ.، ابراهیمی، م.، و عزیزی، م. (۱۳۹۵). اثرات صندوق‌های اعتبار خرد زنان روستایی. *فصلنامه زن و فرهنگ*، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۶۳-۴۷.

- سعدی، ح.، شعبانعلی فمی، ح.، لطیفی، س. (۱۳۹۱). سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان همدان). *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۱۲، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- سعدی، ح.، عرب مازار، ع. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی تجربه بانک کشاورزی. *مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی*، تهران، ۱۹-۲۰ آذر، مرکز تحقیقات اقتصادی.
- شاهرخی ساردو، ص.، و کرمی، آ. (۱۳۹۵). تحلیل مؤلفه‌های پیش برنده مشارکت و تأثیر آن‌ها بر عملکرد اقتصادی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان جیرفت). *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۱۲-۱۸۵.
- شاه ولی، م.، و ملکیان، ع. (۱۳۹۲). طراحی الگوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی برای توانمندسازی زنان عضو صندوق اعتبارات روستایی لپویی استان فارس با پارادایم توحید محور. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۳، صص ۶۸-۴۳.
- شکوری، ع.، و رفعت‌جاه، م.، و جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها. *مجله پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- صالحی، م.، رحیمیان، م.، غلامرضایی، س. (۱۳۹۶). تحلیل چالش‌های صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان. *فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۶۷-۵۵.
- طالب، م.، محمدی، و ا.، فرضی زاده، ز.، و قهاری، ح. (۱۳۹۳). *اولویت‌های توسعه روستایی*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- طیبه، ز.، و بخشوده، م. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر تأخیر تصمیم‌گیری در عضویت در صندوق اعتبار خرد زنان روستایی و گروه خودیار مالی در استان فارس، *مجله پژوهش‌های اقتصاد روستا*، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۴-۱.
- فراشی، م.، و رحیمیان، م.، و غلامرضایی، س. (۱۳۹۶). اعتبارات خرد، توانمندی یا نا توانمندی اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان نهاوند. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۳، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۸۹.
- فوائدی، ف.، چهارسوقی امین، ح.، و علیپور، ح. (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی: مطالعه موردی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن. *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۱۲-۴.
- قدیری معصوم، م.، و احمدی، ا. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۴، صص ۷۷۲-۷۵۹.
- کاظمی، ر.، یعقوبی، ج.، و نعیمی، ا. (۱۳۹۷). تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۴، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۴۳.
- کرمی دهکردی، ا.، بابایی، ر. (۱۳۹۷). تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی در حوزه آبخیز قزل تپه استان زنجان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۱۴، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- کلدی، ع.، سلحشوری، پ. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال ۴، شماره ۴، صص ۲۲-۷.
- کیخاه، ش.، آجیلی، ع.، و فروزانی، م.، و عبدشاهی، ع. (۱۳۹۴). بررسی نقش صندوق اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان شوش). قابل دسترس در آدرس اینترنتی: https://www.civilica.com/Paper-PDCONF01-PDCONF01_269.html.
- مظفری، م.، و ضیائی، م. (۱۳۹۶). بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه الموت). *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری*، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۲۵۰-۲۳۱.

- Al-shami, S. S. A., Razali, R. M., and Rashid, N. (2018). The effect of microcredit on women empowerment in welfare and decisions making in Malaysia. *Social Indicators Research*, 137(3), 1073-1090.
- Devi, K. U., and Narasalah, L. (2017). Women empowerment through self help group: An empirical study in Kurnool district of Andhra Pradesh. *International Journal of Applied Research*, 3 (1), 101-105.
- Field, E., Jayachandran, S., and Pande, R. (2010). Do traditional institutions constrain female entrepreneurship? A field experiment on business training in India. *The American Economic Review*, 100(2), 125-129.
- Garikipati, S. (2012). Microcredit and women's empowerment: Through the lens of time-use data from rural India. *Development and Change*, 43(3), 719-750.
- Kabeer, N. (2012). Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development. *International Development Research Centre*, 44(10), 1-70.
- Kabeer, N. (2005). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal 1. *Gender & Development*, 13(1), 13-24.
- Mayox, L. (1997). The magic ingredient? Micro finance and women's empowerment. *A briefing paper prepared for the Micro Credit Summit, Washington*: ActionAid UK. Available at: <www.solutionexchange-un.net.in/mf/comm_update/res-09-070907>.
- Malhotra, A., Schuler, S. R., and Boender, C. (2002). Measuring women's empowerment as a variable in international development. In background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives (pp. 1-59). Available at: <<http://siteresources.worldbank.org/INTGENDER/Resources/MalhotraSchulerBoender.pdf>>.
- Rubin, A., and Babbie, E. R. (2016). *Empowerment series: Research methods for social work*. USA: Cengage Learning.
- Salwa, A. H. F., Azahari, A. M., and Tamkin, B. J., (2013), Success factors of successful microcredit entrepreneurs: Empirical evidence from Malaysia, *International Journal of Business and Social Science*, 4 (5), 153-159.

Article Type: Research Article

Analysis of Internal and External Factors Affecting Empowerment of Rural Women Receiving Microcredits (The Case of Kermanshah and Hamedan Provinces)

Y. Mohammadi^{1*}, F. Avatefi Akmal², M. Zamiri Arasteh³ and M. Rahimian⁴
(Received: Feb, 12. 2019; Accepted: Sep, 07. 2019)

Abstract

The main purpose of this study was to identify and explain the internal and external factors affecting the empowerment of rural women receiving microcredits in Kermanshah and Hamedan provinces. This research was a quantitative and descriptive-correlation study which was conducted using a survey method. The statistical population of the study consisted of all rural women receiving microcredits in Hamedan and Kermanshah provinces (141 people). Data was collected through a questionnaire that its validity was confirmed by a panel of experts in women affair department of Agricultural Jihad Organization and agricultural extension, education, and rural development faculty members. Its reliability was confirmed by calculating Cronbach's alpha coefficient which was higher than 0.8 for all parts of the questionnaire. Results showed that there was a significant positive correlation between the variables such as "perceived adequacy of received credit amount", "the amount of income earned from the created job", and "the number of created jobs", and "participation in skills training courses" with the level of rural women empowerment. Among the variables, participation in skill training courses was the most important predictors of the rural women empowerment. In this research, based on correlation coefficients between variables, some recommendations were presented for improving the empowerment of rural women.

Keywords: Microcredits, Rural Women, Empowerment, Kermanshah, Hamadan.

¹ Assistant Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

² M.Sc. in Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

³ M.Sc. in Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Rural Development, Faculty of Agriculture, Lorestan University, Lorestan, Iran.

* Corresponding Author, Email:y.mohammadi@basu.ac.ir